

## درس ۴ فقط برای او (اخلاص)

- واژگان مترادف: فقط برای او = اخلاص = توحید عبارت = توحید عملی = سبک زندگی دینی
- واژگان کلیدی درس: اخلاص، اخلاص در زندگی، اخلاص در اندیشه، اخلاص در قلب، احسن فعلی و احسن فاعلی
- هدف درس: آشنایی با مفهوم اخلاص و برپا نهادن تقویت کننده آن در فرد و جامعه، مسوولان اخلاص

ترجمه: نگویید نماز و عبادت هیم و زندگی و مرگم فقط برای خداست که پروردگار جهان بیان است.

آیه: قل ان صلاتی و نسی و عیای و سمانی لله رب العالمین **درس ۱۰ اصل دهم** انعام ۱۴۲

پایم: این آیه کامل ترین تعبیر درباره **زندگی به خاطر خدا** یا **«اخلاص در عمل»** است یا اینکه سبک زندگی توحیدی است

عبارت قرآنی «**لله رب العالمین**» در درس ۲ دوازدهم بیانگر توحید ربوبیت است

یک پرسش: چگونه می توان به سوی پرستش خالصانه این خدای بی همگانم نهاد و یک زندگی توحیدی را تجربه نمود و اندرسه و قلب و عمل را برای او قرار داد و آن گونه که خداوندی پسند زندگی کرد؟

## ۲) تدریس در قرآن

خدای بی نیازی که خیر کمال و سعادت نیکوگانش را نمی خواهد در کلامی به پیامبرش فرماید:

آیه: **قل انما اعظمکم بواحد** ان **تقوموا لله** متنی و فردی (سوره آیه ۴۶)

ترجمه: (به نیکوگانه‌ها بگو) شما را فقط یک مرتبه می کنم و آن اینکه بصورت جمعی و فردی برای خدا قیام کنید

پیام آیه: ① تنها موعظه خداوند به مردم «**اخلاص در زندگی** و تحقق توحید در همه ابعاد آن است (تقوموا لله)

② کلمات کلیدی آیه «**قل**» خطاب به پیامبر «**انما**» احضار و یکس بودن پیام «**لله**» بر اخلاص و کمال دارد

- تقوموا «قیام»
- ③ خداوند مردم را فقط یک اندرز می دهد و آن قیام است که ۲ ویژگی دارد ① برای خدا باشد
- ④ به صورت گروهی یا فردی باشد (تحقق توحید عملی در بعد اجتماعی و فردی)
- ④ آیه بیانگر این است که: **زندگی عرصه بندگی و عبادت خداست**
- ⑤ کارنده قیام برای خداوند آمدن حسن فعلی در بنال حسن فاعلی است.

## سوال ۱

مقصود از قیام جمعی و قیام فردی چیست؟ برای هر کدام نمونه ای ذکر کنید:

**قیام فردی:** تمام کارهایی که انسان در زندگی انجام می دهد اگر برای رضای خدا باشد در جهت توحید عبادی در تعبیر فردی است مانند اقامه نماز، روزه و انجام واجبات به سبب قریه الی الله

**قیام اجتماعی:** هر قیام و حرکتی که بصورت جمعی و گروهی جهت رضایت خداوند و به منظور تحقق عدالت اجتماعی صورت گیرد مانند: **قیام** گذشته سرخ قیام حضرت امام حسین (ع) آئینه سبز: قیام حضرت مهدی و ائمه هدی جهت کسرتن عدالت در جهان (درس سیزدهم مثل یا زنده انسانی)

ادامه تدریس قرآن :

در آیاتی دیگر می فرماید :

آیه : ألم اعهد اليكم يا بني آدم ان لا تقبلوا الشيطان انه لكم عدو مبين وان اعبدوني هذا صراط مستقيم (سوره ۲۱-۲۰)  
ترجمه : ای فرزندان آدم آیا از شما پیمان نگرفتم بدم که شیطان را نپرستید که او دشمن آشکار است و آنچه را بر سرشید این را مستقیم است  
پیام : بیایم ببینیم قطری خداوند با انسان و گرایش انسان به پرستش خداوند که عده ای آن را نادیده گرفته اند (الم اعهد اليكم يا بني آدم)  
و بنده شیطان شده اند و خداوند از آن ها سوال می کند و مورد بازخواست قرار می دهد

۱) تقی بنده شیطان علت دشمنی اشکار او با انسان (لا تقبلوا الشيطان انه لكم عدو مبين)

۲) عبارت خدا (توحیدِ عملی) که این راه راست زندگی است = پرستش و عبارت خداوند صراط مستقیم است

۳) این آیه همداری است که ای انسان راه نجات و صراط مستقیم اخلاص و بندگی خداست

۴) لازمه عمارت و بندگی خداوند تقی بنده و تبعیت از شیطان است

ارتباط معنایی : ارتباط با آیات : ۱) ان تقوموا له (درس ۴ دوازدهم)

۲) قل ان صلاتی و نسکی و محیای ذماتی لله رب العالمین (درس ۱۴ هم و همین درس)

۳) ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم (درس ۱۵ هم و ۱۶ دوازدهم)

۴) فاما الذين امنوا بالله واعقبوا به فبئس خلفهم في رحمة ربه وفضل به يوم الدين صراط مستقيماً (درس ۷ دوازدهم)

ارتباط با شعر : بندگی کن تا که سلطنت کن در تن رهان کن تا همه جانانت کنند . (درس ۱۰ هم و ۱۱ دوازدهم)

سوال ۲- آیا میان عبارت « فقط مرا پرستید (و ان اعبدوني) » و فقط برای خدا قیام کنید « ان تقوموا له » رابطه ای وجود دارد ؟ توضیح دهید :

پاسخ بلیه - هر دو بیانگر توحیدِ عملی است و هر دو به یک معنا و مفهوم به اخلاص در بندگی اشاره می کنند.

۱) \* قبلًا اوحینم که :

الف- هدف از خلقت انسان تقرب به خداست

ب- این تقرب جز با عملی و بندگی خود انسان بدست نمی آید

ج- این همواره بر سر در راهی : ۱) بندگی خدا ۲) بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد

د- زندگی صحیحانه انتخاب یکی از این دو راه است

ه- آن کس که راه توحید را برگزیند و در پی آن اندیشد ، دل ، عمل خویش را برای رضای حضرت دوست قرار می دهد خطای او را تدریس کند و احوال اخیر از توحید برای او هست



\* در روایتی بسیار آکر (۱۴۲) آمده است که:

راهیابی شرکت به دل انسان از راه رفتن مورچه‌های سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه

پنهان تر است **بیا که شرکت حق** و گرفتاری به شرکت تدریجی و پنهانی در محض است

پس باید بینیم چگونه از حرم اندیشه دل با سبک رینیم تا آفت شرکت به آن راه نیاید و عمل اخلاص برای

خداوند انجام شود

تا درین پرده هزار اندیشه می آوند از ام

پایم: محبت و باروری از حرم اندیشه دل است که به هر خداوند به چیز دیگری فکر نکرند

چون نور در گذر ای یار، نمی یارم دید

پایم: تو را با چشم نمی توانم ببینم پس با چه کسی سخن می یارم مرا به یار برین ند (قلب انسان جایگاه خداست)

دشمن گفت حافظ همه روی است دریا

پایم: کارهای حافظ همه ریا و خود ناپی است و خالص نیست در حالیکه هر چه می کنم بجز خاک در راهش مقصد ندارم

### ۴) اخلاص در بندگی

- مفهوم اخلاص: اخلاص به معنای خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن است

- اخلاص در کاربردنی: بهین معنای است که شخص اندیشه و دل خود را جایگاه خدا کند و عملش را فقط برای

رضای خداوند و همانگونه او دستور داده است انجام دهد

\* در اسلام اخلاص شرط قبولی تمامی اعمالی است که فرد به درگاه خداوند عرضه می دارد

### ۵) مراتب و درجات اخلاص

- اخلاص مانند دوست داشتن، سخاوت و هر عملی قلبی دیگر، درجات و مراتبی دارد همان گونه که در

اندیشه نزاری طلق، عیار یا در صد خلوص آن اهمیت دارد. اعمال انسان نیز هر چه با اخلاص همراه با کثرتی

همراه باشد، اندیشه بیشتری دارد. مهم این است که انسان تلاش کند تا اندیشه و عمل خود را

روز به روز برای خداوند خالص تر گرداند. بر همین اساس پیامبر اسلام (ص) فرموده:

- مرئیان با تو قتر است اخلاص انسان بر کثرتش بسیار کمتر **پیام حدیث**: ملاک برتری انسان با کثرت است **اخلاص**

- در سختی هم امام صادق (ع) به یکی از مرآت بالای اخلاص چنین اشاره می کند.

- عمل خالص آن عملی است که دوست نداری کسی جز خداوند به خاطر آن کار تو را ستایش و تحسین کند

- **پیام حدیث**: ملاک بالای اخلاص کار خالصانه برای خداست و از تحسین و تحسین دیگران بی دربار

۴) اخلاص دو گونه است : ۱) اخلاص در اندیشه ۲) اخلاص در قلب \* اخلاص در اندیشه مقدم بر اخلاص در قلب است

۱) اخلاص در اندیشه :

برای انجام عمل برای خداوند خالص شود لازم است :

- ۱) اخلاص در اندیشه تحقق یابد
- ۲) باید بگوشه فکر در اندیشه خود را در این زمینه تقویت کند بطوری که :

الف) همه امور خود و عالم را بدست خدا ببیند  
 ب) بداند که خداوند مدبر و اداره کننده همه امور جهان است  
 ج) هیچ واسطه و وسیله جز به اذن و اراده او عمل نمی کند

\* این معانی همان مفهوم مراتب توحید بخصوص توحید در ربوبیت است

۲) اخلاص در قلب : (اعتقاد قلبی و درونی به خدا)

- علاوه بر اینکه انسان باید تلاش کند که آن چه از توحید آنگاه در اندیشه عقلی خود پذیرفته است به قلب اعتقاد قلبی و درونی تبدیل کند و با آن انس قلبی برقرار نماید تا در رفتار و کردار او مؤثر باشد زیرا که

همانطور که در سال های قبل آموختیم ؛ برای اینکه به یک سخن درست عمل کنیم ، پذیرش عقلی آن کفایت نمی کند بلکه آن سخن باید در قلب و دل ما نفوذ کند یعنی قلب نیز تسلیم آن شود - بنابراین انسان مومن می گوید :

الف) قلبش را خانه خداوند مهربان کند و تنهایی او دل ببیند

\* ارتباط معنایی با سخن امام صادق (ع) : در روز قیامت ، در حرم خدا عمر خدا را بدهید

ب) با آنکه خداوند سفارش کرده است انس قلبی داشته باشد

\* ارتباط معنایی با دو رویه بادرستان خدا (تولی و بیزارى از دشمنان خدا) (تبری) :  
 یکی از راه های اقرار است به خدا دوستی بادرستان خداست (درک ۹ دهم) و الذین امنوا اشربوا له

ج) هم چنین او قدرش می گذراند یعنی درونی و قلبی خود را الهی کند و سخن فاعلی داشته باشد (ح ۱۴)  
 زیرا تائید و تصدیق قلبی انسان از انجام یک عمل خدایی نشود آن عمل خدایی نمی گردد و خالصانه نمی شود

مستفاد از کلام رسول گرامی (ص) در رابطه با اهمیت جایگاه مهم نیت و قصد قلبی : (اهمیت حسن ظن قلبی)

۱- نیت المؤمن خیر من عمله : نیت مومن از عمل او برتر است (تقدم حسن فاعلی بر حسن فعلی) او تا کید بر اخلاص در قلب است

۲- انما الاعمال بالنیات : همانا اعمال انسان وابسته به نیت های اوست //

تفکر در حدیث:

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید:

فاعل الخیر خیر منه و فاعل الشر شر منه

ترجمه: انجام دهنده کار نیک، از آن کار بهتر است، و انجام دهنده کار شر از آن شر تر است.

\* در این سخن حکیمانانه تفکر کنید و رابطه آن را با اخلاص در اندیشه و قلب ترصیع دهید:

ترصیع: با توجه به اینکه خالص عمل برای خداوند باید ابتدا در اندیشه تحقق یابد و سپس در قلب انسان راه یابد و درونی شود لذا کار نیک و یا کار شر ابتدا در اندیشه و قلب انسان راه می یابد و سپس به رفتار و عمل فرد تبدیل می شود پس فرد نیکو کار بدلیل نیتی که دارد (حسن فاعلی) از آن کار بهتر (حسن مفعلی) است.

۷ در معنی وصیت عمل (موضوع حسن فاعلی)

- انسان مومن علاوه بر اینکه هرگز شکر خود را خالص نکند و عمل خود را به خاطر خدا انجام دهد (حسن فاعلی) تشکر می کند عمل را همان گونه که خداوند دستور داده انجام دهد یعنی عمل را از جهت:

کمیت، کیفیت، زمان، مکان و شیوه همان طوری انجام دهد که خداوند می خواهد. مثال

اگر خداوند فرموده که نماز صبح در رکعت و با یک رکوع و در سجده در هر رکعت و قبل از طلوع آفتاب انجام شود

انسان مومن تشکر می کند نماز خود را به همین صورت انجام دهد تا صبح و در وقت انجام داده باشد.

\* پس در هر عمل دو چیز موجود است: ① حسن فاعلی ② حسن مفعلی

مفهوم حسن فاعلی = بدین معناست که انجام دهنده کار دارای معرفت درست و نیت الهی باشد (شرط درونی)

مفهوم حسن مفعلی = بدین معناست که کاربرد درستی و به همان صورت که خدا فرموده داده انجام شود (شرط بیرونی)

تطبیق: با توجه به تعریف بالا از «حسن فاعلی» و «حسن مفعلی» موارد زیر را بررسی کنید:

۱- آیا ممکن است عملی دارای حسن مفعلی باشد اما حسن فاعلی نداشته باشد یا برعکس حسن فاعلی داشته باشد اما حسن مفعلی نداشته باشد؟ بله - مورد اول کار بی است: مثلاً نماز خواندن به شکل صحیح ولی برای خودنمایی در مورد دوم: مثلاً کسی برای رضای خدا نیت کند و نماز بخواند ولی به دلیل جهل و ندانستن احکام نماز، آن را به شکل صحیح نخواند

۲- اگر فردی برای کاغذ کردن و یا سلامت جسم روزه بگیرد روزه اش درست است **خیر** زیرا اگر چه عملش حسن فاعلی دارد ولی چون هدف و نیتش غیر الهی است حسن فاعلی ندارد و قبول نیست

۳- اگر کسی به نیت نماز جماعت مسجد از منزل بیرون می آید و به دلیل مانعی نتواند به مسجد برسد آیا ترسد خدا پاداش دهد به دلیل؟ این کار کدامیک از اقسام حسن و خود دارد؟ بله زیرا عملش حسن فاعلی دارد و به فرموده پیامبر برای اسلام اما اعمال با الهیات عملش قبول است.



پارسی

تا تو به اینک «ریا» در مقابل «اخلاص» قرار می گیرد درسی کسب هر یک از موارد زیر مصداق «ریا» قرار می گیرد یا اخلاص

- ① حضور در نماز جماعت ← **بابت الهی اخلاص** و برای خودنمایی **بیت** غیر الهی **ریا**
- ② پوشیدن لباس تحنونی و زیاده برای حفظ احترام خود ← در صورتیکه برای خودنمایی و تبرج باشد **ریا**
- ③ کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران؛ اگر به قصد قربت در رضای الهی ← اخلاص و اگر به منظور خودنمایی و جلب توجه دیگران **ریا** - اگر به منظور تسوئین دیگران به امر خیر و جهت نیت الهی ← اخلاص

⑧ \* راه نهمی تقویت اخلاص

- برای تقویت اخلاص در وجود خود راه نهمی وجود دارد که چیزی مورد از آن را در اینجای آوریم:

① اقرائش معرفت نسبت به خدا؛  
- سریند محلی میان معرفت به خداوند و ایمان به او وجود دارد. همچنین ارتباط دقیق میان ایمان به خدا و اخلاص رقرار است: [ معرفت به خدا ← ایمان به خدا ← اخلاص ]

تشیب: بنابراین: هر قدر که معرفت ما به خدا بیشتر شود (عملت) به اقرائش درجه اخلاص ماک خواهد کرد (مقول)

پس خوب است ساعتی را صرف تفکر در آیات و نشانه نهمی الهی کنیم تا بیشتر دریابیم که:

- \* آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- \* همان آفرینش خالق خود را نشان می دهد هر کس دل خود را بر فهم خالق ببندد دل ندارد و معرفت ندارد
- \* ارتباط معنایی با سخن حضرت علی (ع) دارد که: **ما را به شایا الا را به الله قبله و بعد مع** و **یا آیه الله نور الحیات والافز**

این همه نقش عجب برود و بر او وجود هر که فکر نکند نفس بود بر دیوار (موی)

همه مخلوقات در نظام هستی نشانه ای از خالق هستند دریافت این نشانه نهمی نیازمند تفکر و تعقل است

- البته اگر کسی رفتار عملت در چشم اندیشه را بر روی جهان نسبت آیات الهی را نخواهد یافت و دل به سر او نخواهد داد.

\* هر رخسار تو منی تا بذر ذرات جهان هر دو عالم بر ز نور و دیده تا بینا چه بود

بسیار: ضمن تاکید دوباره بالا و نکات آیات فاینا و کسی که خاقل است نشانه نهمی الهی که در ذرات جهان است را نمی تواند

توجه به یک نکته مهم

- همانطور که گفته شد عمل بر اساس معرفت و آگاهی بسیار از زمین و مقوس آن است از عملی که در آن معرفتی نیست و یا مانند معرفتی صورت گیرد

مثال: نمازی که با معرفت انجام شود تر خداوند بسیار از زمین است از نمازی که به جا آورنده آن نمی دانیم می گوید؟ و برای چه می گوید؟

نکته: حتی گاه پس می آید که آن نهمی نادان به تصور اینکه کار خیر می کند مرتکب گناهان بزرگی شود

دکتر محمود  
بزرگوار  
عبدصغیر

در جنگ صفین وقتی امام علی (ع) را آستانه پیروزی بر معاویه قرار گرفت و سلسله  
لشکر معاویه قطع شده بود، معاویه با پیوستن سواران و عاص به لشکرش دستور داد که قرآن  
را بر سر نیزه کنند و فریاد فرستند که ما هر دو گروه مسلمانیم و باید قرآن میان ما و شما داور باشد  
- تعداد زیادی از لشکریان امیرالمؤمنین فریب این نیزه ها خوردند و حاضر  
بیکاری معاویه نشدند و پیروزی حتمی را از دست دادند و امام را وادار به تسلیم و سپس  
قرارداد صلح با معاویه کردند.

تعمیر - این کار مستوی تاریخ اسلام را عوض کرد و سینه که ده سال حکومت  
اسلامی بدست بنی امیه بیفتد و به جای حکومت عدالت، ظالمان بر  
مسلمین حاکم شود.

۲) **انحراف نهفت بسیاری اسلامی:**

- در سال هجری افسوسناک نهفت بسیاری اسلامی در کشورهای مسلمان خاور میانه  
و شمال آفریقا آغاز شد و مسلمانان برای آزادی از حکومت های متبع و تابع غرب  
قیام کردند سازمان های محقق در آمریکا و اروپا و برخی حاکمان کشورهای اسلامی، یک  
عربان افراطی و انحرافی را که افکاری بسیار مخرب داشتند وارد قیام مسلمان کردند

\* آنان توانستند:

- ۱) بسیاری از جوانان را که فقط عقوبت دینی داشتند اما از معرفت صحیح دینی  
بهر بهره بودند به سوی خود جذب کنند
- ۲) با استفاده از این نیروی با انگیزه و نا آگاه جهت مبارزه را تغییر دهند  
و به جای مبارزه با دشمنان کم گشتن مسلمانان در حال اسلام بردارند.
- ۳) بسیاری از سرزمین های اسلامی را این جنگ هم و گسست ها به ویرانه تبدیل کردند
- ۴) رسانه های کشورهای استعماری از این فرصت استفاده کردند و خشونت های آن را به  
نام اسلام در دنیا پخش نمودند م طوری که تا امروزه

تعمیر:

۳) بسیاری از مردم جهان وقتی نام اسلام را می شنوند آن را با سر بهدن گویان کردن و  
جاهلست سازی می دانند.

بررسی:

آرستخس تقسیم بکیر کاری را به خاطر خدا انجام دهد اما نسبت به ارزش و عواقب آن کار معرفت  
نداشته باشد چه نتیجه ای حاصل می شود ممکن است بدلیل نا آگاهی و تکلیف گمان بر سر خود و بیامدگی  
آن بگونه ای باشد که چنانچه در نماز ما شده و ندانند



**۲) تقویت روح حق پذیر و تربی افراد حق پذیر**

و تربی :- کسی که روح حق پذیری دارد و در مقابل حق تسلیم است به آسانی وارد مدار بندگی می گردد زیرا :

- ۱) افراد حق پذیر تابع دلس هستند
- ۲) وقتی عقل آن حقیقتی را یافت بدینال آن می رود

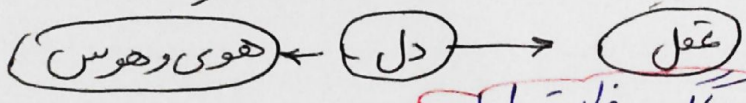
و تربی افراد حق ناپذیر :- (کسانی که راه درایت حق را هرگز نمی بینند)

- ۱) به جای پیروی از عقل از هوی رهتس پیروی می کنند
- ۲) وقتی غیر خواهی اطرافیان در دستان او می شوند دست به انکار می زنند و با گفتن دلم نمی خواهد
- ۳) راه رسیدن به حقیقت را هرگز نمی بینند

نتیجه : اینان کوم نمی کنند و نه دلد را به سوی خود دعوت می کنند:  
**حق پذیریم - ۱) ندای از عقل**

\* حضرت علی (ع) این رابطه را به زیبایی توضیح می دهد:

- عقل سپهسالار لشکر خدای رحمان است
  - و هوی راهبر لشکر شیطان
  - انسان کشیده می شوده میان آن دو
- مسئله : هر یک از این دو وجه سرداران در حال نگاه اقرار خواهد گرفت



**۳) راز و نیاز با خداوند و پاک خواستن از او :**

نیایج نیایس دعوض نیاز به بیگناه خداوند از او برای رسیدن به اخلاص : (سیالیه من فی السموات والارض)

- ۱- غفلت از خداوند را کم می کند
- ۲- محبت او را در قلب تقویت می سازد

**۴) دوری از گناه و بندش برای انجام واجبات**

الف) گناه ریشه درخت اخلاص و بندش را می سوزاند و آن را به تدریج از بین می برد به همین جهت امر المؤمنین علی دعای فرماید : تمام اخلاص در دوری از گناه جمع شده است

ب) از طرف دیگر ترک گناه و توبه به واجبات و اطاعت خداوند درخت اخلاص را آبیاری می کند و ریشه دهد

- در میان اعمال واجب روزه تاثیر خاصی در تقویت اخلاص دارد حضرت علی (ع) می فرماید :

خداوند بدین جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید مهم ترین خایه روزه تقوی است در سال ۱۳۸۴



۹) نوره و سوره کمی در هفت اخلاص

۱) دست یابی به درحای از حکمت

توجه حکمت: حکمت به معنای علم فوادم و استوار و پدیدار خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن راستان می دهد و مانع لغزش ها و تباهی هائی شود

استان حکیم: به درحای از بصیرت و روشن بینی می رسد که می تواند در شرایط سخت و پیچیده حق را باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود

تعلیم در قرآن: خداوند در قرآن کریم علاوه بر این که تعلیم را به داشتن حکمت توصیف کرده شمارش های ارزنده و حکیمانه ای از ایشان نقل کرده است  
بیا می بینیم: می فرماید:

هر کس چهل روز کارهای خرد را خالصانه برای خدا انجام دهد حکمت عظیمه کمی حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد

نکات جمع بندی: ۱) اولین نتیجه اخلاص راستایی به حکمت است

۲) درس ۱۰ دوازدهم برای ترسیم چرخه عقلانی و منطقی دین اسلام توسل به روش های صحیح دعوت است ارتباط معنایی با آیه ادع الی سبیل ربک بالحکمه و ...

۳) تعوذ نایبیری در برابر وسوسه های شیطان (نقش اخلاص در دوری از وسوسه های شیطان)

انسان در اخلاص پیش برود به چه مرحله ای می رسد که:  
الف) دیگر فریب وسوسه های شیطان را نمی خورد  
ب) گرفتار دام کمی شیطان نمی شود چرا؟ زیرا

افراد توانایی شیطان: نتیجه: شیطان خود اقرار کرده است که توانایی فریب دادن مومنان با اخلاص را ندارد

برو این دام مرغی گذرند - که عتقا را بلند است آینه حافظ

\* عتقا - برنده ای افغانه ای است که آفت را میانه اش بلند مرتبه است که هیچ دامی قادر به شکار او نیست این تشبیه باینکه این است که انسان با اخلاص در دام فریب و وسوسه شیطان نمی افتد

پایانی

پرسشی: یکی از اوصافی که خداوند در قرآن برای حضرت یوسف ذکر کرده است داشتن اخلاص

و رسیدن به مقام مخلص است

سورس آیات ۳۲ و ۳۳ سوره یوسف مکه سبطان هم دایمی برای حضرت یوسف کرده بود یوسف  
دکم صفاً برای یوسف در خواب نامشروع زلیخا برای نگاه کرد  
او و چگونه توانست از این دام نجات یابد [پایان] چگونگی نجات از این دام: درخواست راز نیاز دعا و گدازها  
آیه ۳۲ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ كَفْتُ زَلِيخًا زَنَانِي ثُمَّ جِئْتُ بِكِ بِذِيئَةِ الْحَيَاةِ نِسَاءً لَمْ يَأْتِ  
در مورد او ملامت می کردید

وَلَقَدْ رَاوَدْتَهُ عَنْ نَفْسِهِ فَأَسْتَعْصَمَ وَاللَّيْثَةُ مِنَ الْفِرَاطِ طَلَبَ مَرَاوَدَهُ كَرَمٌ، يَسْ أَوْ يَأْكُلِي دُرِّ زَبَدٍ

وَلَسْنُ لَمْ يَفْعَلْ بِمَا أَمَرَهُ وَالرَّاوَدَةُ رَاوَدَتْهُ بِهَا أَوْدَتْهُ مِي دَهْمِ اِنْجَام نَهْدِ

لَيْسَ جِنَّتٍ وَ لَيْكِرِ مِاسِ الصَّاعِغِينَ حَتَّى زَلِيخًا حَوَاهِرُهُ وَازْ حَوَارِثُ دُكَّانٍ حَوَاهِدُ بَدِ

آیه ۳۳ قَالَ رَبِّ السَّمِينِ اجِبِ اِلَيَّ مَا دَعَوْتَنِي اِلَيْهِ يَوْسُفُ لَقَدْ يَرُودُ دُكَّانِ زَلِيخَانِ رَاوَدَتْهُ مِي رَاوَدَتْهُ اَنْ مِي حَوَاهِدَتْهُ

وَالَا لَقَرَفَ عَنِّي كَيْدِهِنَّ اَصْبَحُ الْهَيْجَنَ وَ اَلَا لَقَرَفَ عَنِّي كَيْدِهِنَّ اَصْبَحُ الْهَيْجَنَ

وَالرَّحِيلُ اَنْ دُكَّانِ مِي بَارِزِ نَكْرَدَانِي وَ مِي رَاوَدَتْهُ اَنْ هَا مِي اِي كَمِ

وَ اَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ وَ اَزْ جَاهِلَانِ مِي كَرَمِ

پیام های آیه ۳۳

۱) پاکدامنی حضرت یوسف در برابر دعوت نامشروع زلیخا (وَلَقَدْ رَاوَدْتَهُ عَنْ نَفْسِهِ فَأَسْتَعْصَمَ) به عبارت دیگر اخلاص و عفت حضرت یوسف سبب رسوایی ناپاکان (زلیخا) شد و اعتراف زلیخا قصد نگاه کرد  
۲) فاستعصم «اعتراف زلیخا بر پاکدامنی حضرت یوسف گواه این است که گاهی دشمن هم به پاکدامنی شخص متخلص اعتراف می کند»

۳) عبارت «لَسْنُ لَمْ يَفْعَلْ بِمَا أَمَرَهُ لَيْسَ جِنَّتٍ» گناهکاران برای رسیدن به هدف خوش از هر وسیله ای استفاده می کنند (زلیخا برای رسیدن به خواسته اش تهدید می کرد)

پیام های آیه ۳۴

۴) قوت اگر ایمان و تقوا همراه نباشد تابع هوی و هوس می شود  
۱) تو هم حضرت یوسف به ربوبیت خدا که از آداب دعای ایشان است (رَبِّ السَّمِينِ) برای حضرت یوسف هموس ستر از پاکدامنی نیست و آن بر زینان ارجح است  
۲) انسان با استمداد از خداوند می تواند در هر شرایطی از گناه فاصله بگیرد (وَالَا لَقَرَفَ عَنِّي)  
۳) دعا ریس و راز نیاز با خدا از راه کسی مصون مانند از گناه و انحراف حسنی است  
۴) تقدم رضایت خدا بر رضایت مخلوق  
۵) تن دادن به گناه لذت نهایی جهل است (مِنَ الْجَاهِلِينَ) ارتباط معنایی: عبارت فاستعصم بنیابگر عصمت پیامبران است (درس ۲ یا ۳ دهم)

ارتباط معنایی: بابت «برو این دام بر مرغی لاغرتر» که مختار المذاهب است آریانه

- عفاف، خصلت هر آن که با فضیلت است و انسان عقیف هم مردی جزیل  
خود را کنترل می کند (درس ۱۱ دهم)

- کار حضرت یوسف و دردی از شاه مصداق آیه «ولا تقرنوا الزین انه کان فاحشاً و سلیلاً»  
که خداوند زنا را گناهی بسوگن می کند (درس ۸ دوازدهم)

- شیطان امروزه نیز از همان نوع دامی که برای کسان حضرت یوسف به گناه و فسادگه کرده بود  
به صورت های نوآگون بر این انسان پس کرده است چرا؟

نیز: ۱۱ تا هوس های خودگذر آریانه را تحریک کند  
۱۲ آریانه گناه بکند

۱۳ آنان را از دست جاودان محروم کند  
مثال دامی شیطان: نینیم ها، و بگاه، شکم های ماهواره ای گمراه کننده، شکم های حماری ناسالم،  
گره های درسته های منحرف اجتماعی از علم این دام هاشمه

ضرورت مقاومت در برابر دام های شیطان:

- مقاومت در برابر دام های شیطانی نیازمند:

۱ آروی آوردن به بیگانه خداوند

۲ پذیرش خالصانه فرمان های اوست

نتایج گرفتار شدن در دام های شیطانی:

۱ هم زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد

۲ مهم حیات سرشار از لذت را

۳ دریافت پاداش های وصف ناشدنی (تقرب به بیگانه الهی و وصال و لقاء الهی)

- بیدگی خالصانه خداوند عزیزی دارد که چه بسیار ذهن مانع کننده از تصور و تحیل ما فراز رود  
- از جمله این پاداش های وصف ناشدنی:

۱ دیدار محبوب حقیقی

۲ تقرب به بیگانه خداوند که به تعبیر حضرت امیر المومنین علیه السلام

بابت آن روی منافقان، دوست یل های صدقان، ولی سوهان و معصوم عالمیان است

نمونه های کسب دریافت پاداش ها:

کافران است به زندگی زیبای رسول خدای امیر المومنین علی (ع)، فاطمه زهرا سلام الله علیها و سید ایمن خود نظر  
میکنیم و ببینیم چگونه از راه بیدگی خالصانه این همه خوبی و زیاده و آن مقام قرب و نزدیکی با محبوب را بدست آورده اند

تن رها کن تا هر جا نیت گشت

شعره: بندگی کن تا که سلطانت گشت

پیام: انسان با بندگی و اخلاص می تواند به مقام ولایت برسد **دانش اعدوی هفتاد مرتبه متقیم**

همچو سلمان در مسلمانی بگوش  
ای مسلمان تا که سلطانت گشت

پیام: سلمان نمونه مسلمانی که در راه اسلام شهادت کرده است  
بخوی حیوانی سزاوار تو نیست  
ترک این خو کن که انسانت گشت

پیام: کاره انسان شدن رحایی از غوی انسانی و هوی و هوس است  
چون نداری درد درمان هم خواه  
درد بیدار کن که درمانت گشت

پیام: بیا در نیازهای برتر انسانیت است که به تدریج دل مشغولی 'دختره' و درد معالی انسان در درمند است

نیزه شیخانی و داری امید  
که ستایش همچو نذرانت گشت

پیام: تازمانی که انسان بنده شیطان است مورد ستایش قرار نمی گیرد. لازم است عبودیت و بندگی  
نفس بندگی شیطان است.